

تأملی دیگر بر طرح خاورمیانه ی سوسیالیستی

وزیر فتحی

بیست و سوم نوامبر ۲۰۱۴ برابر با دوم آذر ماه ۱۳۹۳ طرح خاورمیانه ی سوسیالیستی در قالب گفتگویی اختصاصی با عنوان « خاور میانه و بدیلِ ما » با تلویزیون دریچه انتشار یافت. (1) زمان ، زمانی بود که « دولت اسلامی در عراق و شام » - داعش - پرچم خلافت را در قلب و پهلو ی سرزمینهای عراق و سوریه فرو برده و کوفته بود و « خلافت » را در پسا مرگِ ناسیونالیسم عربی و درهم کوبیده شدن افغانستان و عراق و لیبی توسط امپریالیسم ترانس آتلانتیک ؛ همچون راه حل نهایی خاورمیانه ؛ بر می کشید . ابرهای تیره و تار ، آسمانِ خاورمیانه را فراگرفته بود و بر زمین خونین اش یأس و نومییدی می بارید . خاورمیانه را از سویی ترکیبی از گردبادِ جنگ های نیابتی فی مابینِ قدرت های نوظهور منطقه ای و رقابت های جغرافیایی - سیاسی قدرت های جهانی و پیشرویهای امپریالیسم ترانس آتلانتیک در هم می نوردید و از سوی دیگر الزامات پیشبرد طرح خلافت داعش - از جمله : محو و حذف تنوعات قومی - مذهبیِ منطقه با توسل به زور عریان و کشتار وحشیانه و بیرحمانه و به تسلیم و داشتن غیر مسلمانان و به اسارت و انقیاد در آوردن زنان و سلب تمامی دست آوردهای مدنیِ مردمان آنجا ؛ منطقه را به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل میکرد که آینده ی تاریک و سیاهی بیش در انتظارش نبود .

بازتاب و پیامد های چنین وضعیت فاجعه باری نه تنها سیل مهاجران و پناهندگانی بود که دل به دریا می زدند و تن به امواج خروشان می سپردند تا به همان جوامعی بگریزند که سر کردگان و حاکمان و دست اندر کارانشان خود در بوجود آوردن چنین فاجعه ای دست داشتند ؛ بلکه مات و مبهوت و میخکوب شدن بسیاری از رادیکالترین و دلسوز ترین و متعهد ترین عناصر چپ و انقلابی را هم به همراه داشت . صرفنظر از باندهای تبهکار چپ نمایی همچون حکاکا که همواره - هم آن زمان و هم اکنون - ابواب جمعیِ پیشبرد سیاستهای امپریالیستی - صهونیستی بوده اند و همچنان و هنوز هم هستند ؛ و صرفنظر از جریانات چپی که کودتاهای فاشیستی را انقلاب میخواندند و کجدار و مریض با دموکراسی سرمایه داری غرب معاشقه و باجنش سبز و اصلاح طلبان مغضوبِ جمهوری اسلامی مغالزه میکردند ؛ نزدیکترین رفقای ما هم یگانه میدان نبرد واقعاً موجود برای رهایی را شرق اکراین و منطقه ی دنباس می دانستند و مشعل سوسیالیسم را در آنجا میجستند و

در خاورمیانه نیرویی نمی‌دیدند که چنین پرچمی برافرازد و در برابر فراخوان مابرای به پیش کشیدن بدیل اتحادیه‌ای از خاورمیانه‌ی سوسیالیستی به صراحت میگفتند که در خاورمیانه زمینه‌اش نیست.

ما در آن زمان معتقد بودیم و هنوز هم هستیم که این خاورمیانه است که گره‌گاه اصلی سرنوشت عصر جدید جهان است و اگر «زمینه» ای نیست، میبایست آن را فراهم ساخت و اگر همچنان برآنیم که سرانجام دو راه درپیش است: یا سوسیالیسم و یا بربریت! ما معتقد بودیم و دوسال بعد - یعنی درست در 21 دسامبر 2016 برابر با اول دی ماه 1395 - هم بر این باورمان پای فشردیم که:

«شکست «خلافت اسلامی» و داعش، قطعی ست و این شکست پیش و بیش از آنکه شکستی تشکیلاتی - نظامی باشد، شکستی استراتژیک و ایدئولوژیک برای داعش بوده و پایانی ست بر نوزاد نامشروعی به نام طرح خلافت. مردم سوریه و عراق و کل خاورمیانه به این «آلترناتیو» جعلی نه گفته‌اند. آری شکست داعش قطعی ست ... دوران ناسیونالیسم عربی هم چه در هیئت ناصریسم و چه در اشکال بعث ایسم، دیری ست که سپری شده است و اساساً ظهور داعش و صعود پرچم «خلافت» - حتی برغم سقوط محتوم اش - خود، مبین آنست که ناسیونالیسم عربی پاسخگوی مطالبات خاورمیانه و الزامات دگرگونی‌های آن نیست. ناسیونالیسم ترکی هم اگر امروزه کارایی می‌داشت، بورژوازی ترکیه سکان مناسبات مسلط را به حزب عدالت و توسعه‌ی اسلام اردوغانی نمی‌سپرد.» (2)

ما در آن زمان معتقد بودیم و هنوز هم هستیم که:

«یگانه آلترناتیو مردمی و انسانی‌یی که میتواند متضمن همزیستی مسالمت‌آمیز و با حقوق برابر و برادری طبقاتی باشد، خاورمیانه‌ی سوسیالیستی ست و بهترین و آسیب‌ناپذیرترین شکل تحقق آن هم اتحادی از جمهوریهای سوسیالیستی است که پیوسته داوطلبانه و حقوق برابر و آزادی زبان‌ها و مذاهب برای همه‌ی ملل و اقوام تشکیل دهنده‌ی آن، ارکان وستونپایه‌های ساختمان‌آند.» (3)

تأکید بر نقاط قوت طرح

امروز و در سالگرد طرح آن مبحث لازم است در تاملی دگر بار، بر نقاط قوت آن تأکید، و به کاستی‌های آن نیز اشاره کنیم و پیمان ببندیم که به آن‌ها نیز در آینده بپردازیم اگرچه برآنیم که این کاریست کارستان و ورود همه‌ی نیروهای متعهد و انقلابی و سوسیالیست و کمونیست را می‌طلبد چرا که طرح این بحث و به پیش

کشیدن این آلترناتیو نه به معنای اینست که ما مبدع و مخترع بلافصل آنیم و نه بدان معناست که لزوماً خود تمام‌کننده‌ی آن خواهیم بود؛ این کاریست که حرکتی جمعی و در سطح خاورمیانه می‌طلبد.

و اما گذری بر آنچه گذشت:

- 1- خاورمیانه‌ی سوسیالیستی، بدیلی ست در برابر نظام سرمایه‌داری و طرح‌های امپریالیستی
 - 2- خاورمیانه‌ی سوسیالیستی بدیلی ست در برابر طرح‌های شکست‌خورده‌ی «سوسیالیسم واقعاً موجود» شوروی و بلوک شرق و سوسیالیسم چینی
 - 3- خاورمیانه‌ی سوسیالیستی بدیلی ست در برابر طرح‌های شکست‌خورده‌ی ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم بعثی
 - 4- خاورمیانه‌ی سوسیالیستی بدیلی ست در برابر جمهوری اسلامی و مناسباتی که این رژیم حامل و پاسبان آنست
- ما در همان گفتگوی مورد اشاره موارد زیر را تصریح و بر آنها تأکید کردیم:
- الف: بدیل ما برغم شباهت‌ها در عنوان، بکلی با تمام تجربیات تاکنونی و مشخصاً با تجربه‌ی اتحاد شوروی متفاوت و از آن متمایز است
- ب- آزادی و برابری از نظر ما جدائی‌ناپذیرند. جائیکه آزادی نباشد، برابری ممکن نیست.
- ج- سوسیالیسم برای ما یک سیستم تولید و توزیع صرف نیست بلکه پیش و بیش از هرچیز یک مناسبات انسانی ست
- ش- مناسبات مد نظر ما آنیست که در آن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، ملغی؛ و مالکیت اجتماعی جایگزین آن میشود و بدین ترتیب اساس استثمار و نابرابری برچیده میشود
- د- نظام کارمزدی در این مناسبات لغو میشود، نظامی که از ارکان برده‌داری نوین است
- ر- اتحاد جماهیر مورد نظر ما اتحادیه‌ای ست از خاورمیانه که داوطلبانه و آگاهانه تأسیس می‌شود
- خ- مذاهب و بی‌مذهبی در این اتحادیه آزاد اند و پیروان آنها از حقوق برابر و بی‌تبعیض برخوردارند و همزیستی مسالمت‌آمیز قانوناً و عملاً تضمین میشود.
- ک- مردمان خاورمیانه به زبانها و گویش‌های گوناگونی صحبت میکنند. کلیه‌ی زبان‌ها و گویش‌ها در این طرح و مناسبات جایگزین، آزاد اند و همه‌گی رسمی تلقی می‌شوند.
- ق- سین سرآغاز تاسیس این اتحادیه، سرنگونی همه‌ی رژیمهای موجود و مانع منطقه و خلع‌ید از بورژوازی ست

ی- سنگ بنای این اتحادیه میتواند از هر و در هر جایی بنا شود که مردم آنجا به پیشاهنگی و رهبری کارگران و زحمتکشان، بورژوازی را خلع و سکان هدایت کشتی جامعه‌ی خویش را بدست گیرند. همچنین از دیگر نکات درست بحث، تأکید ما در رد ناسیونالیسم کردی است که در متن بیانیه‌ی «ایران و جهان؛ چشم اندازه‌ها و مواضع ما» بدان پرداخته ایم:

« ناسیونالیسم کردی هم امروزه بر طبل جنگ می‌کوبد وقتی که در این گِیرو دار وهنگامه، منافع بورژوازی اش را دربرش و برداشتن تکه‌هایی از این منطقه‌ی مجروح جستجو می‌کند. ما بر آنیم که اکنون و اینجا دم زدن از اصل «حق تعیین سرنوشت»، یعنی واپسگرایی مطلق و بر افروختن آتش جنگ بی‌پایانی که پیش و بیش از هرکسی خود مردم کرد را در زبانه‌های یش خواهد بلعید و به خاکستر خواهد نشاند! بیش از یکصد سال است که خاورمیانه و بویژه ایران ما درگیر مبارزات مدنی و جنبش‌های اجتماعی و انقلاب سیاسی است. اکنون که به مرحله‌ای پا نهاده ایم که در انقلاب اجتماعی آتی به نتایج ایتار یکصد سال گذشته مان امیدوار شویم؛ تبدیل این نبرد تاریخی - طبقاتی ما به جنگ‌ها و منازعات قومی؛ عین واپسگرایی و حتی جنایت علیه بشریت است!» (4)

بویژه امروزه و در پرتو فتنه‌ی رفراندم کردستان عراق می‌بینیم که چگونه می‌رفت تا این «رفراندم» خاورمیانه را در دوران پسا داعش به گرداب خونین جدیدی در افکند و امکان امر انکشاف مبارزات طبقاتی و عروج سوسیالیسم و برابری در این منطقه را با چالشی مرگبار روبرو سازد.

«خاورمیانه‌ی فردا در صورتی رنگ آرامش و آسایش را به خود خواهد گرفت که با پذیرش و برسمیت شناختن تنوعات قومی و مذهبی بربریت سرمایه‌داری را کنار زده و راهی به سمت آزادی و برابری بگشاید. راهی که ما برانیم که از سمت وسوی سوسیالیسم می‌گذرد.» (5)

اهمیت و ارزش چنین فرازهایی هنگامی دوچندان می‌نماید که ببینیم چگونه بدون داشتن چشم انداز و آلترناتیو سوسیالیستی فراگیر برای کل منطقه؛ در مواجهه با حوادث متحدتی همچون رفراندم کردستان عراق و در مقابله با آن ممکن است به ورطه‌ی نگره‌های رئال پولیتیکی - همچون حشمت رئیسی - افتاد و با آن مخالفت کرد از آنرو که این کاری «احمقانه» است و سران اقلیم کردستان عراق موازنه قوا و مخالفت دولت‌های همسایه ایران و ترکیه و سوریه و قدرت‌های جهانی مانند امریکا و اروپا را نادیده گرفتند (6)؛ و یا همچون مرتضی محیط از سر عرق ملی به فریاد درآمد و آن را محکوم کرد (7)؛ و یا مانند مهران زنگنه رفراندم کردستان را در تحلیل سیاسی، نادرست ارزیابی کرد و با آن مخالفت نمود اما در جهتگیری سیاسی با اعلام اینکه: «کرکوک و مناطق مورد مناقشه را

نیروهای دولت مرکزی عراق اشغال کردند.»(8)دم خروس این آرزو از زیر ردای چپ نمایش بیرون بزند که « فرودستان و سازمان‌هایشان » - لابد برای بدست گرفتن همان پرچم ناسیونالیسم کردی اما این بار بنام چپ و سوسیالیسم و کمونیسم - باید پا به میدان بگذارند !

اشاراتی به کاستی های بحث

برغم نکات مثبتی که بر شمردیم ؛ طرح خاورمیانه ی متحد سوسیالیستی کاستی هایی دارد که میبایست بدانها پرداخت . از جمله اینکه :

- استراتژی ما برای تحقق این طرح چیست ؟

- کدامیک در اولویت نخست اند و در گام اول مطرح اند : انقلاب سیاسی یا انقلاب اجتماعی ؟

- نحوه ی اعمال هژمونی طبقه ی کارگر و خلع ید از بورژوازی

- مسئله ی مجلس موسسان

و...و...و...

در مسیر فراپیش

وظیفه ی همه ی ماست ، مسئولیت همه ی آنانی ست که به تغییر وضع کنونی می اندیشند ، و به ضرورت انقلاب معتقدند ، و آزادی و برابری را میطلبند ؛ که طرحی نو در اندازند و مباحثات آن را پیش ببرند . ما هم تلاش کرده ایم گامی بسیار کوچک و البته در حد و مقیاس توان خویش در این زمینه برداریم .

نه به جنگ های قومی

نه به منازعات مذهبی

نه به مداخلات امپریالیستی

زنده باد خاور میانه ی متحد سوسیالیستی

وزیر فتحی

اول نوامبر 2017

برابر با 10م آبانماه 1396

[از سایت فراپیش](#)

پی نوشت ها

-1

https://www.youtube.com/watch?v=SZJxJ_i3yBw&feature=youtu.be

-2

ایران و جهان ؛ چشم اندازها و مواضع ما

<https://farapish.wordpress.com/2016/12/21/39/#more-39>

-3 و 4 و 5

همان

-6

<https://www.youtube.com/watch?v=E60oJyITchM&feature=share>

7-نگاه کنید به برنامه های تلویزیونی مرتضی محیط در دوره مور بحث در باره رفتارندم کردستان

8-مهران زنگنه : چرا در کرکوک مقاومت صورت نگرفت

<https://mejalehhafteh.com/2017/10/26/%DA%86%D8%B1%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%B1%DA%A9%D9%88%DA%A9-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA-%D8%B5%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D9%86%DA%AF%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%9F/>